



سر نوشت پسر عمه

و پسر دایی قاتل

بررسی می شود

پسر عمه و پسر دایی‌ای که ۱۲ سال قبل با همدستی زن جوان، شوهر او را به قتل رساندند، با دیگر به میز محاکمه بازگشتند.

به گزارش خبرنگار ما، مرداد ماه سال ۸۴ مرد جوانی مأموران پلیس ورامین را از ناپدید شدن ناگهانی برادر ۳۰ ساله‌اش به نام ابراهیم باخیر کرد و گفت: چند روزی است با برادر تماس می‌گیرم، اما تلفن همراهش خاموش است. همسر و فرزندانش نیز از او بی‌خبر هستند. با اعلام مفقودی، همسر آن مرد به نام شهلا در تحقیقات به مأموران گفت: شوهرم هفته گذشته به کشور عراق سفر کرد. آخرین تماس او لب مرز بود و بعد از آن دیگر تماس نگرفت و از او بی‌خبرم. در حالی‌که تحقیقات در این زمینه ناموفق بوده، برادر ابراهیم اطلاعات جدیدی در اختیار مأموران قرار داد و گفت:در مدتی که از برادر می‌بخیرم، همسرش با شماره ناشناسی تماس زیادی دارد. به او مشکوک هستم. بعد از آن بود که با ردیابی تماس‌های شهلا، مأموران به مرد ۳۵ ساله‌ای به نام رحمت که با آن زن در ارتباط بود، مظنون شدند و او را بازداشت کردند.او در بازجویی‌ها بااعتراف به قتل ابراهیم گفت: مدتی قبل با شهلا آشنا شدم.او از شوهرش راضی نبود و می‌گفت می‌خواهد طلاق بگیرد، اما شوهرش راضی به جدایی نیست. این رابطه ادامه داشت تا اینکه روزی شهلا از من خواست تا شوهرش را به قتل برسانیم و خودش نقشه قتل را طراحی کرد. منمهم در خصوص شب حادثه گفت: آن شب همراه پسرعمالم — برکت — به خانه شهلا رفتم.او در راز کرد و دو وارد اتاقی شدیم که ابراهیم خوابیده بود. ابتدا شهلا با چوب به سر شوهرش زد. سپس من و برکت با چاقو او را منته کردیم و جسد را در یک گونی گذاشتیم و در بیابان‌های ورامین رها کردیم. بعد از اقرارهای منمهم، شهلا و برکت نیز دستگیر و تحت بازجویی قرار گرفتند.بااعتراف دو منمهم دیگر، رحمت و برکت به اتهام مباشرت در قتل و شهلا به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند. پرونده با کامل شدن تحقیقات به شعبه دوم دادگاه کیفری فرستاده شد و با درخواست قصاص از سوی اولیای‌هم در دو منمهم به قصاص محکوم شدند. با تأیید رأی در دیوان عالی کشور، منمهمان توانستند با پرداخت ۹۰ میلیون تومان دیه رضایت فرزندان مقتول را جلب کنند.اما یاقوت پدر مقتول‌هر دو منمهم همچنان در زندان ماندند.بنابراین آنها با نوشتن نامه‌ای از دادگاه درخواست تعیین تکلیف کردند.به این ترتیب پرونده‌بار دیگر به همان شعبه به ریاست قاضی زالی فرستاده شد و منمهمان صبح دیروز در دادگاه حاضر شدند.

بعد از اعلام رسمیت جلسه، یکی از منمهمان در جایگاه حاضر شد و گفت: اشتباه کردیم و تابع هوای نفس شدیم. تا یک قدمی چوبه دار رفتم. اما با فرض و هزار سختی بول دیه را تهیه و ۹۰ میلیون تومان به فرزندان مقتول پرداخت کردیم.حالا برای پرداخت دیه به دیگر اولیای‌هم پولی نداریم و از قضات دادگاه تقاضای تخفیف مجازات داریم.

در ادامه دیگر منمهم نیز از خود دفاع کرد و بعد از آخرین دفاع هر دو منمهم، هیئت قضایی وارد شور شد.

مرگ برادر زیر آوار کوه

ریزش کوه روی دو برادر در شهرستان طالقان سرک یکی از آنها را رقم زد.
این حادثه دو روز قبل در روستای نازبان این شهرستان اتفاق افتاد.دو برادر مشغول لایروبی نهر روستا بودند که ناگهان کوه رویشان آوار شد. با حضور مردم، آواربرداری انجام و بیکر دو برادر از میان آوار بیرون کشیده شد. بررسی‌ها نشان داد که یکی از آنها به علت شدت جراحت فوت شده‌است.امیر محمدی، معاون عمرانی فرماندار طالقان گفت: برادر دیگر که دچار جراحت شده بود به بیمارستان منتقل شد.

فوت معدنچی در انفجار معدن

انفجار گاز در معدن زغال سنگ منطقه لایوح در شهرستان نور مازندران یک کشته و یک زخمی برجای گذاشت.

بخشدار چمستان گفت: معدن زغال سنگ در منطقه طارم حد فاصل روستای واژ تنگه و روستای دیز پنکلا لایوح، برابر جمعیت گاز در عمق ۱۰۰متری دچار انفجار شده‌است که بر اثر آن یک تنبۀافغانی به نام نجم‌الدین فوت کرد و هموطن وی هم به نام باقر دچار سوختگی شدید و به بیمارستان شهید زارع ساری منتقل شد. شهیار ذوالفقاری گفت: اهالی روستا و نیروهای امدادی با شنیدن صدای انفجار با حضور در محل حادثه به کمک آسیب دیدگان شتافتند. لایوح منطقه‌ای در ارتفاعات نور در غرب مازندران قرار دارد.



پسر جوانی که همراه سه نفر از دوستانش به خانه پدر بزرگ بولدارش دستبند زده بود، فکر نمی‌کرد یکی از دوستانش در این سرعت کشته شود.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۴ عصر روز شنبه چهاردهم مردادماه، قاضی منافی‌اذر باتماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک پسر جوانی در بیمارستان حضرت رسول (ص) با خبر و همراه تیم جنایی در بیمارستان با جسد پسر ۳۰ساله‌ای به نام حمید که با اصابت گلوله‌ای به سرش از پای در آمده بود، روبه‌رو شدند.

نخستین بررسی‌ها حکایت از این داشت پسر فوت شده سارق سابقه‌داری است که بامداد روز شنبه همراه سه‌نفر از دوستانش به خانه پدربزرگ یکی از آنها در منطقه شهران دستبند می‌زند که هم‌زمان با سرعت، مأموران کلانتری کن با تماس یکی از همسایه‌ها در محل حاضر می‌شوند. سارقان با دیدن مأموران اقدام به فرار می‌کنند که دو نفر از آنها با شلیک گلوله مأموران از ناحیه سر و پا زخمی می‌شوند که در نهایت حمید چند ساعت بعد از حادثه در بیمارستان فوت می‌کند.

زنی که موضوع سرعت را به مأموران خبر داده بود، در تحقیقات گفت: صاحبخانه زن و مرد سالخورده‌ای هستند که مدتی مرد خانه در بیمارستانی در یکی از شهرستان‌ها بستری است. صاحبخانه از من خواسته بود، مواظب خانه آنها باشم تا اینکه نیمه‌های شب متوجه صدای خش

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

مرگ سارق هنگام دزدی از خانه پدر بزرگ

خش از خانه همسایه شدم. وقتی از پنجره به داخل کوچه نگاه کردم، دیدم پسر جوانی داخل کوچه در حال نگهبانی است و دو پسر دیگر با دست قلاب گرفته‌اند و پسر دیگری هم از روی دوش آنها به داخل خانه همسایه رفت. بلافاصله موضوع را به مأموران پلیس خبر دادم، تا اینکه دو مأمور به محل آمدند. مأموران وقتی به داخل خانه رفتند، سارقان اقدام به فرار کردند که صدای شلیک گلوله به گوشم رسید. یکی از مأموران هم گفت: وقتی وارد خانه ویلایی شدیم، فهمیدیم که سارقان در یکی از اتاق‌ها مخفی شده‌اند به همین دلیل اتاق‌ها را یکی یکی جست‌وجو کردیم. وقتی در آخرین اتاق را باز کردیم، اتاق تاریک بود و ناگهان یکی از آنها به صورت ما افشانه اشکا آور زد و بعد هم همگی به بیرون فرار کردند. ما دستور ایست دادیم، اما آنها توجهی نکردند، تا اینکه دو تیر شلیک کردم که دو نفر از آنها زخمی شدند. یکی از سارقان فرار کرد، اما چهارمین سارق که نوه صاحبخانه است، دستگیر شد.

صبح دیروز پسر جوانی که همراه سه نفر از دوستانش به خانه پدربزرگش دستبند زده بود، برای بازجویی به دادسرای امور جنایی منتقل شد.

وی در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کرد.
وی در شرح ماجرا گفت: پدر بزرگم مرد بولداری بود. او کارخانه بسنتی‌سازی داشت، اما چندسال قبل ورشکست شد. وضع مالی‌اش خوب بود تا اینکه پدرم در تصادفی فوت کرد. پدر بزرگم همیشه بین نوه‌هایش فرق می‌گذاشت و به پسر

منمهم: خانواده همسرم در زندگی مان دخالت می‌کردند

دارم. به خاطر همین بیماری یک هفته هم در بیمارستان بستری شدم. پزشک برای من دارو تجویز کرد، اما داروهای فایده‌ای نداشت. من دو سال است شب‌ها نمی‌خوابم و به همین دلیل همیشه عصبانی هستم. حتی قرص خواب هم بخورم خوابم نمی‌برد. شیفت شب کار می‌کردی؟

بله. من و همسرم هر دو کارمند اداره پست بودیم. به خاطر نگهداری از پسرمن شیفت شب کار می‌کردم و همسرم شیفت صبح کار می‌کرد.

همسرت وابسته به پدر و مادرش بود؟

بله. او خیلی پدر و مادرش را دوست داشت، به همین خاطر همیشه به حرف‌های آنها توجه و دخالت‌های آنها را قبول می‌کرد.

چه دخالت‌هایی می‌کردند؟

دخالت‌های معمولی. مثلاً من دوست نداشتم او به عروسی برود، اما مادرش او را به عروسی برد و شب هم خانه آنها خوابید و مرا تنها گذاشت.

شما مخالفت کردی؟

نه.

من همسرم را خیلی دوست داشتم؛ به همین دلیل با کارهایش مخالفت نمی‌کردم، اما به او می‌گفتم که مادرش در زندگی ما دخالت می‌کند.

از تنهایی می‌ترسی؟

نه. اما شب‌ها نمی‌توانم بخوابم.

چرا؟

من مدتی است بیماری روحی و روانی و اسکیزوفرنی پیدا کرده‌ام. منمهم در این باره توضیحات راننده ازآانس مشخص شد، جسد مرد ناشناس متعلق به افشین، یکی از برادرهایی است که با منمهم رفت و آمد داشته است.

به این ترتیب تحقیقات وارد مرحله‌ای تازه شد و مأموران پلیس از مرگ مشکوک زنی جوان در یکی از سوله‌های شهر رودهن باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به زن ۲۷ساله‌ای به نام مهناز بود که بر اثر اصابت چاقو به گردنش کشته شده بود. مأموران با بررسی محل، در قسمت دیگری از سوله جسد مرد جوانی را کشف کردند که به همان شیوه به قتل رسیده بود.

بعد از انتقال دو جسد به پزشکی قانونی کارآگاهان پلیس، با بررسی شماره تلفن زن جوان دریافتند که تماس وی با سارا ننده یکی از ازآانس‌های محل بوده است که شب حادثه با آن خودرو به سوله رفته است.

به این ترتیب راننده خودرو و شناسایی و بازداشت شد. او گفت: منمهم را می‌شناختم. او خیلی اوقات تماس می‌گرفت تا او را به جایی که می‌خواست برسانم. مهناز و همسرش معتاد بودند و خودش برای تهیه مواد با مردان زیادی در تماس بود. اخیراً

عموهایم که پدرشان زنده هستند، توجه بیشتری می‌کرد، به همین دلیل من از او کینه به دل گرفتم و همیشه در صدد انتقام بودم. من مدتی در کارخانه پلاستیک‌سازی عمومیم کار کردم، اما او هم به من تیزی نداشت و از من می‌خواست لانه سگش را تمیز کنم. وی ادامه داد: پس از اینکه از کارخانه عمومیم بیرون آمدم با خودروام مسافر کشی می‌کردم تا اینکه با سه‌نفر از بچه‌های محلمان به نام‌های حمید، بهنام و شاپان که سابقه سرعت داشتند، در خانه ویلایی آشنا شدم. دو ماه قبل با ستار به خانه پدربزرگم رفتم و او متوجه شد که پدر بزرگم مرد بولداری است. از آن روز به بعد، آنها مرا تشویق می‌کردند تا به خانه پدر بزرگم دستبند بزنم تا اینکه در نهایت قبول کردم. شب حادثه چهار نفری به خانه پدربزرگم رفتم و ستار از روی دیوار وارد خانه شد و در را باز کرد. او خیلی زود گاو صندوق پدر بزرگم را باز کرد و طلاها و پول‌ها را داخل ساک قرمز رنگی ریخت که مأموران پلیس سر رسیدند. وقتی متوجه نور چاقو رفم مأموران شدیم، در یکی از اتاق‌ها مخفی شدیم تا اینکه مأموران در اتاق را باز کردند و ستار افشانه اشکا آور به چشمان مأموران زد و بعد هم همگی فرار کردیم که مأموران اقدام به شلیک کردند.

منمهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر دراختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

قاضی منافی‌آذر به کارشناسان اسلحه شناسی برای بررسی نحوه شلیک و قانون به کارگیری سلاح دستور لازم را اعلام کرد.



کرد و من هم دنبالش کردم و دوباره به خانه برگشتم که پدرمتم به داخل کوچه رفته بود و من دوباره مادرتم را با چاقو زدم.

چرا اقرار نکردی؟

من خطا کردم و باید مجازات شوم. به همین خاطر فرار نکردم تا مأموران رسیدند.

فکر می‌کنی خانواده همسرت رضایت بدهند؟

دوست دارم تاوان کارم را بدهم و اصلاً به فکر رضایت نیستم.

الان چه احساسی داری؟

پشیمان هستم.

منمهم به ۲ قتل از مرگ نجات یافت

مجبور شدم او را دوباره به سوله برگرداندم و بعد از آن فرار کردم.

بعد از اقرارهای منمهم و بازسازی صحنه جرم پرونده به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی مادر افشین اعلام گذشت کرد، اما دخترش از خواست قصاص داشت. در ادامه فرزندان مهناز نیز با پرداخت دیه اعلام گذشت کردند. بنابراین منمهم به قصاص محکوم شد. رأی دادگاه بعد از تأیید در دیوان عالی کشور در آستانه اجرا قرار داشت که دختر افشین از عموی خود اعلام گذشت کرد، بنابراین منمهم از جوبه دار فاصله گرفت. به این ترتیب منمهم روز گذشته از جنبه عمومی جرم مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی عبداللهی قرار گرفت و بعد از قرائت کیفرخواست در حالی که سرش را پایین انداخته بود، گفت: باور کنید برادرم را دوست داشتم و آینده او برایم مهم بود.

روز حادثه ناچار شدم با آنها درگیر شوم. در این چند سال سختی زیادی کشیدم و توانستم رضایت اولیای‌هم را جلب کنم. حال‌ا از قضات تقاضای تخفیف در مجازاتم را دارم. در پایان هیئت قضایی بعد از شور، منمهم را با احتساب روزهای بازداشت به ۹ سال حبس محکوم کرد.

بیرون آورد و چند ضربه به بدن پدرش وارد کرد. شعبان غرق در خون روی زمین افتاد و پسرش هم فرار کرد. در حالی‌که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، مأموران دریافتند شعبان، ظهیر روز شنبه پس از گذشت دو روز از حادثه در بیمارستان به خاطر شدت خونریزی فوت کرده‌است. بدین ترتیب با مرگ مرد میسائل پرونده واردمر حله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره هم پلیس آگاهی به دستور باز پرس ویژه قتل وارد عمل شدند جست‌وجو برای دستگیری قاتل فراری ادامه دارد.

تیراندازی مرگبار

در میدان تیر

تیراندازی یک سرباز در میدان تیر یادگان نیروی هوایی ارتش، حوالی کپر یک تهران حادثه خونینی را رقم زد.
روابط عمومی ارتش شمار کشته‌ها را چهار

سرباز و تعداد مجروحان را هشت نفر اعلام کرد. خبرگزاری‌ها اما از تلفات را بیشتر اعلام کردند.

براساس گزارش خبرگزاری‌ها، روز گذشته افرادی که در نزدیکی این یادگان نظامی ساکن بودند با شنیدن صدای تیراندازی وحشت‌زده از خانه‌هایشان خارج شدند. لحظاتی بعد با تردد مدام آمبولانس‌ها به داخل یادگان معلوم شد که حادثه‌ای خونین رقم خورده است. آمبولانس‌ها خیلی زود از یادگان خارج شدند و به طرف بیمارستان هفتم‌تیر حرکت کردند. از داخل یادگان خبر رسید که یکی از سربازان در میدان تیر روی سربازان دیگر آتش گشوده است. او در حال تیراندازی بود که با شلیک گلوله هدف قرار گرفت و همراه مجروحان راهی بیمارستان شد، اما راه انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد. بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که ۱۲ سرباز در جریان حادثه مجروح شدند.

عبدالله مینویی، مدیر داخلی بیمارستان شهدای هفتم‌تیر در اولین واکنش‌ها گفت: سرباز تیرانداز قبل از رسیدن به بیمارستان جانش را از دست داده و یک سرباز دیگر هم در راه انتقال به بیمارستان فوت شده بود. مینویی ادامه داد: دیگر سربازان مجروح بعد از اقدام‌های اولیه به بیمارستان دیگری منتقل شدند.

خبرگزاری مهر هم گزارش داد که در جریان حادثه یک

سرگرد و دو سرباز به ضرب گلوله کشته و ۱۲ نفر دیگر زخمی شده‌اند.

روابط عمومی ارتش ساعتی بعد در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در جریان حادثه چهار سرباز کشته و هشت نفر دیگر مجروح شده‌اند که یکی از مجروحان از کارکنان پایور است. مجروحان حادثه به سرعت به نزدیک‌ترین مرکز درمانی اعزام شدند و علت این حادثه توسط تیم ویژه بازرسی در دست بررسی است. این حادثه احتمالاً به دلیل مشکلات روحی و روانی سرباز ضارب با چرخش ناگهانی سلاح به‌وقوع پیوسته است. محمد هاشمی، رئیس شورای کپر یک هم گفت: سرباز ضارب اهل سیستان و بلوچستان بود که هنگام تیراندازی با شلیک گلوله هدف قرار گرفت. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

عاملان قتل ۲ نوجوان گنبدی

بازداشت شدند

پسر جوانی که متهم‌است با همدستی یکی از دوستانش دو نوجوان را با انگیزه انتقام جویی در شهرستان گنبد کاووس به قتل رسانده‌است، بازداشت شد.

۱۲ مردادماه بود که به مأموران پلیس گنبد کاووس خبر رسید، جسد دو پسر ۱۶ ساله حوالی روستای حاجی‌قوشا کشف شده‌است. بررسی‌های اولیه تیم جنایی حکایت از این داشت که اجساد در محل دیگری به قتل رسیده و سپس در این مکان دفن شده‌اند که بارش باران اجساد را از زیر خاک بیرون کشیده بود. در بررسی‌های بعد معلوم شد که دو نوجوان با اصابت ضربات چاقو به کام مرگ رفته‌اند.

بعد از انتقال اجساد به پزشکی قانونی، مأموران پلیس در تحقیقات میدانی به پسر ۲۱ ساله مظنون شدند و او را بازداشت کردند. منمهم در تحقیقات فنی پلیس به ارتکاب قتل با انگیزه انتقام‌گیری شخصی اعتراف کرد و گفت اجساد را با کمک یکی از دوستانش در محلی خلوت دفن کرده‌بود که بارش باران رازشان را برملا کرد. با اعتراف منمهم همدست ۲۳ ساله وی نیز بازداشت شد.

سردار علی‌اکبر جویاند، رئیس پلیس استان گلستان گفت: تحقیقات بیشتر از دو منمهم در جریان است.

باشگاه

خطرقی

چگونه می‌توان بخشی از

چک برگشتی را پاس کرد؟

اگر چکی به مبلغ ۲۰ میلیون تومان در اختیار دارید؛ اما با مراجعه به بانک، متوجه می‌شوید موجودی حساب، ۱۰ میلیون تومان و کمتر از مبلغ چک است، در اینگونه موارد چه می‌کنید؟

اکثر قریب به اتفاق افراد، یکی از این دو اقدام را

انتخاب می‌کنند:

۱- برگشت چک

۲- واریز مبلغ کسری به‌حساب‌صادرکننده و دریافت

مبلغ چک

بايد توجه داشت هر دو اقدام اشتباه است؛ چراکه در اقدام اول، موفق به دریافت مبلغی که در حساب بوده نشده‌اید و در اقدام دوم، شما عملاً چک ۲۰ میلیونی را به بانک تحویل داده و فقط نیمی از آن را دریافت و حق مطالبه باقی مبلغ چک را نیز به‌واسطه‌ا دست دادن چک، از خود سلب کرده‌اید.

بهترین راه حل قانونی ماده ۵ قانون چک است. براساس این ماده شما می‌توانید از تحویل‌دار بانک بخواهید مبلغ موجودی را تمام و کمال به شما پرداخت کرده و نسبت به مبلغ کسری موجودی، برگشتی صادر کند. بانک‌ها فرجهای مخصوصی به نام «گواهی عدم پرداخت قسمتی از وجه چک» دارند که با درخواست شما، مبلغ تکمیل آن هستند. در این وضعیت، بانک، اصل چک را از شما تحویل گرفته و کپی چک، مأمور به مهر بانک و گواهی عدم پرداخت قسمتی از وجه چک را به شما تحویل می‌دهد. در این روش، جانشین اصل چک بوده می‌تواند طرح دعوا در مراجع قضایی را درآورد. با استفاده از این راهکار، شما علاوه بر دریافت مبلغ موجودی، حق مطالبه نسبت به باقی مبلغ را نیز برای خود محفوظ نگاه دارید.

آگهی تعدید حدود اختصاصی
نظریاتیکه تعدید حدود شش‌دانگ یکقطعه زمین مزروعی به انضمام یک حلقه چاه آب درآن به مساحت ۴۸۷۱۲ مترمربع بسلام ۶۷۱ فرعی مجزا شده از ۱۶۶/۲۳۲/۱۶۶ بسلام اصلی واقع دربخش سه درختی سه باغکاره قرنه پورری مورد درخواست آقای ایوب پورری شش‌دانگ مورد ثبت که دراجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی به آن انتقال یافته است وجسب نامبرده که دراجرای نمره ماده ۱۴ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی درخواست انتقال آگهی تعدید حدود اختصاصی نموده است مورخه ۸۹/۱۱/۶ ساعت ۸ صبح درمحل شروع به عمل خواهد آمد.اینک به وسيله این آگهی از متفاوتی و کلیه ماسان املاک مجاور طبق ماده ۴۴ قانون ثبت دعوت میشود که در وقت حضور درمحل حضور همه ماسان مجاور پس نسبت به حدود و حقیق از تلفاتی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تعدید تا ۲۰ روز پانزده خواهد شد.ضمناً منصوص تکلیف است نمره ۴ ماده واحده قانون تعیین تکلیف یونده‌های معترضین نسبت به عرصه ۱۳۲۷۲/۱۵ طبق ماده ۸۶ آیین نامه اجرائی طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراضی به اداره ثبت درخواست به مرجع قضایی محل تسلیم دارد والا حق و اسلطف خواهد شد.
امیرعباس ترحمان - رئیس واحد ثبتی شبانکاره